

آب، نماد پاکی است.

ماهی، نماد زندگی و برکت است.

آینه، نماد کلام خداست.

تخم مرغ، نماد زاینده گی است.

سماق، نماد پیروزی نیکی بر بدی است.

سبزه، نماد شادابی و سرسبزی است.

سنجد، نماد عشق است.

سرکه، نماد صبر و پایداری است.

سیر، نماد شفا بخشی است.

سیب، نماد سلامتی و زیبایی است.

سمنو، نماد زایش و باروری است.



نوروزتان مبارک

موفقیت زناشویی



چطور همسر خسیس خود را درمان کنیم؟



آموزه بخشش





Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com



روی صندلی چوبی نشسته است. مغازه گرم است. حوصله نمی کند تا پنکه را روشن کند. کار و کاسبی کساد است. پس اندازی ندارد. ساکت و خونسرد نشسته است. انگار به هیچ چیز فکر نمی کند، حتی به قشقلق پسرش! عرق می ریزد. دلش می خواهد تا یکی بیاید همدمش شود. شخصی داخل می شود. سرخ رنگ است. انگاری به زور راه می رود. خمار است. سلام پسر. خوب شد آمدی. دلم گرفته بود. پسر خمار است. انگار می لرزد. چشمانش خون است. پدربرایش صندلی می آورد. نمی نشیند! پدر، من حقم را می خواهم. می خواهم برای خودم زندگی دست پا کنم. ما تا چند صبح دیگر زنده ایم. سپس همه آنها مال تو می شود. سرپیری ما را آواره نکن. اگر میخواهی زندگی کنی؟! آن زهرماری را دور بینداز. مثل مرده ای پی کار برو. بی زندگی. روپای خودت. پدر، شما من و نابود کردید. اصلاً فکر من نیستید. پدر چیزی نمی گوید. پسر بی قرار است. عصبانی است. به پدر نگاه می کند، مثل نگاه شکارچی پی شکارش. می خواهد از پدر زهر چشم بگیرد. ولی می ترسد. شاید زور او به پدر نرسد. به پدر قهرمان خود. لب خود را می خورد. سرخ است. قلبش تند تند می زند. می خواهد به پدر حمله کند. انگار برای بقاء می جنگد. تحمل خماری را ندارد. تحمل سرباری را ندارد. تحمل تحقیر را ندارد. سوی میله آهنی دست می برد. پدر آرام است. دست خود را در جیب گت نیم دارش می کند. هنوز نشانه کوچک فلزی بازی های آسیابایی که رنگ و رویش رفته است، روی سینه گت آش هست. پسر نعره می کشد. مردم جمع شده اند. دوفر، مرد را بلند می کنند و در پُرانکار می گذارند. نشانه کوچک فلزی زیر خون گم شده است. مرد را داخل آمبولانس می برند. دست مرد در جیبش مشت شده است. کسی پارچه سفید روی صورت مرد می کشد. دست مرد هیچ گاه از جیبش بیرون نیامد.

مبلغ شیطان پرستی دستگیر شد

رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی فارس گفت: مأموران ما مطلع شدند خانمی به نام رضوان-ح، در یک واحد پوشاک فروشی واقع در شمال شیراز به روش سمبل گروه های افراطی نژادپرست و منحرف (شیطان پرستی) و گروه های مبتذل غربی اقدام به ترویج خرافه گرانی می کند. مسعود روستا افزود: با انجام تحقیقات و اطمینان از صحت موضوع مأموران از آن واحد صنفی بازرسی و تعداد ۳۸۷ عدد نمادهای گروه های شیطانی کشف و متهمه را تحویل مقام قضایی دادند. وی در ادامه از کشف مقادیر قابل توجهی مشروبات الکلی در شیراز خبر داد و گفت: مأموران ما از ورود یک محموله مشروبات الکلی خارجی از استانهای دیگر به شیراز و قصد فروش آن توسط قاچاقچیان در این شهرستان مطلع شدند. رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی فارس اظهار کرد: پس از انجام تحقیقات لازم، دوفر از این قاچاقچیان به نامهای رضاعت، و حسین-ح، شناسایی و مأموران متوجه شدند این افراد با دو دستگاه خودرو پیکان و پژو ۴۰۵ قصد فروش مشروبات الکلی را در شیراز دارند. روستا گفت: با هماهنگی مقام قضایی هر دو متهم دستگیر و در بازرسی از منزل یکی از آنها مقادیر زیادی از مشروبات الکلی کشف شد و متهمان دستگیر شدند.

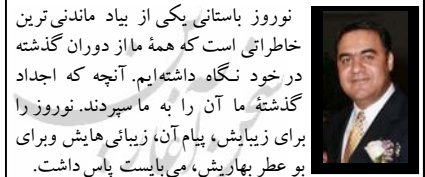
با تشکر از کمپانی Ridgeline Express INC. که با حمایت مالی خود ما را در چاپ ماهنامه تبدیل در ماه مارچ یاری دادند



آدرس اینترنتی: www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv



سپس ادامه داد: مردی را دوپسر بود. روزی پسر کوچک به پدر خود گفت: «ای پدر، سهمی را که از دارایی تو به من خواهد رسید، اکنون به من بده». پس پدر دارایی خود را بین آن دو تقسیم کرد. پس از چندی، پسر کوچکتر آنچه داشت گرد آورد و راهی دیاری دور دست شد و ثروت خویش در آنجا به عیاشی بر باد داد. چون هر چه داشت خرج کرد، فحطی شدید در آن دیار آمد و اوسخت به تنگدستی افتاد. از این رو، خدمتگزاری یکی از مردمان آن سامان پیشه کرد. و او را به خوبانی در مزرعه خویش برگماشت. پسر آرزو داشت شکم خود با خوراک خوبها سیر کند، اما هیچکس به او چیزی نمی داد. سرانجام به خود آمد و گفت: «ای بسا کارگران پدرم خوراک اضافی نیز دارند و من اینجا از فرط گرسنگی تلف می شوم. پس برمی خیزم و نزد پدر می روم و می گویم: پدر، به آسمان و به تو گناه کرده ام. دیگر شایسته نیستم پسر خوانده شوم. بامن همچون یکی از کارگران رفتار کن. پس برخاست و راهی خانه پدر شد. اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده، دل بروی بسوزانید و سبویش دودید، در آغوشش کشید و غرق بوسه اش ساخت. پسر گفت: «پدر، به آسمان و به تو گناه کرده ام. دیگر شایسته نیستم پسر خوانده شوم.» اما پدر به خدمتکارانش گفت: «بشتابید! بهترین جامه را بیاورید و به او ببوشانید. انگشتی بر انگشتش و کفش به پاهایش کنید. گوساله پرورای آورده، سر برید تا بخوریم و جشن بگیریم. زیرا این پسر من مرده بود، زنده شد؛ گمشده بود، یافت شد!» پس به جشن و سرور پرداختند. «و اما پسر بزرگتر در مزرعه بود. چون به خانه نزدیک شد و صدای ساز و آواز شنید، یکی از خدمتکاران را فراخواند و پرسید چه خبر است. خدمتکار پاسخ داد: برادر ت آمده و پدرت گوساله پرورای سر بریده، زیرا پسرش را بسلامت باز یافته است. چون این را شنید، بر آشفته و نخواست به خانه در آید. پس پدریرون آمد و به او التماس کرد. اما او در جواب پدر گفت: «اینک سالهاست تو را چون غلامان خدمت کرده ام و هر گز از فرمانت سر نیچیده ام. اما تو هر گز حتی بزغاله ای به من ندادی تا با دوستانم ضیافتی به پا کنم. و حال که این پسر ت باز گشته است، پسری که دارایی تو را با روسپی ها بر باد داده، برایش گوساله پرورای سر بریده ای! پدر گفت: «پسر، تو همواره با منی، و هر آنچه دارم، مال تو است. اما اکنون باید جشن بگیریم و شادی کنیم، زیرا این برادر تو مرده بود، زنده شد؛ گم شده بود، یافت شد!»



نوروز باستانی یکی از بیاد ماندنی ترین خاطراتی است که همه ما از دوران گذشته در خود نگاه داشته ایم. آنچه که اجداد گذشته ما آن را به ما سپردند. نوروز را برای زیبایش، پیام آن، زیبایی هایش و برای بو عطر بهاریش، می بایست پاس داشت. باری، پیام نوروز، این خجسته ایام همان است که خداوند در کلام مقدس خود به انسانان داده است، آنچه که مسیح آن را زندگی کرد و برای ما الگو قرار داد. اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه ای است، چیزهای کهنه درگذشت، الحال همه چیز تازه شده است. این همان پیامی است که نوروز برای ما دارد؛ گذشتن از کهنگی و به تازگی رسیدن. خانه نکانی کردن و پاکیزه شدن. بخشیدن و شاد شدن. از زیر بار غم آزاد شدن و آرامی یافتن. این همان پیامی است که ما می گوئیم؛ تبدیل شدن!

آن روزگار در ایام نوروز، همه مردم سرزمین مادری، خرد و کلان، زن و مرد، در روستا و شهر در تکاپوی خانه نکانی و آراستن میشدند تا که به استقبال نوشدن و تازه شدن برسند. آری، بیائید ما هم، همچون گذشتگان و در اطاعت از فرمان خداوند، هم زمان با نو شدن طبیعت، اذهان و دل خود را به فیض او تازه کنیم. با حضرت داوود یکصدا شویم و از خدا بخواهیم؛ که ای خدا، دل طاهر در من بیافرین. از او بخواهیم تا شکوفه های امید و خوشی، بر گهای تازه بخشش و گذشت را در ما بیافریند تا بتوانیم همچون آن قدوس در اراده کامل خدا قرار بگیریم. باشد که اینچنین زندگی ما نوروز بشود. آرزو و دعای من و همکارانم در ماهنامه تبدیل اینست که نوروز باستانی ۱۳۸۸ بر شما و همه عزیزان مبارک و فرخنده باشد.

لس آنجلس مارچ ۲۰۰۹
التان باغستانی

حمایت مالی شما را از ماهنامه تبدیل پذیر ایم.

ماهانامه تبدیل

مدیر مسئول: التان باغستانی
ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
ویراستار: نازنین باغستانی، ع. راد

TEL: 818. 522.1525

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.SimaMasih.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com

Iran for Christ Ministries
P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند
We have the right to refuse publishing.



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

جالب است بدانید که جشن سال نویکی از قدیمی ترین جشن ها و تعطیلات در دنیاست که برای اولین بار ۴۰۰۰ سال پیش، در شهر بابل برگزار شد. آغاز بهار، زمانی منطقی برای شروع سال نو است زیرا بر اساس باور و اعتقاد عام، بهار فصل تولد دوباره، تازه شدن، شکوفایی و سرسبزی زمین است. جشن سال نو در بابل ۱۲ روز بود. شیوه جشن گرفتن هر روز ویژه همان روز بود و باید اذعان داشت که جشن های سال نو کنونی، در مقایسه با جشنهای سال نو بابل قدیم، کمرنگ و ساده به نظر می رسد. رومیها نیز ابتدای سال نو را اواخر مارس قرار دادند اما هر امپراتور پس از بر تخت نشستن، تغییراتی در تقویم به وجود آورد تا حدی که دیگر تقویم روم با چرخش خورشید و تغییرات فصول هماهنگی نداشت. به منظور تنظیم و تصحیح تقویم، در سال ۱۵۳ قبل از میلاد، سنای روم، اول ماه ژانویه را آغاز سال نو اعلام کرد اما دخالت امپراتور روم در تقویم و شروع سال نو تا زمان امپراتوری ژولیوس سزار ادامه پیدا کرد. در سال ۴۶ قبل از میلاد، سزار، مجدداً اول ژانویه را به عنوان آغاز سال نو پذیرفت و این تاریخ به تقویم سزاری مشهور شد. برای تطبیق تقویم و چرخش خورشید، سال قبل از تنظیم تقویم سزاری، ۴۴۵ روز اعلام شد. اما در بابل یکی از متداول ترین تصمیمها بازگرداندن وسایل قرضی کشاورزی و درو بود. در قرن ششم قبل از میلاد، یونانیان رسم داشتند که با قراردادن یک کودک در سبد، تولد دوباره دیونیسوس، خدای روح باروری را جشن بگیرند. مصریان عهده باستان نیز کودک کان را به عنوان سمبل تولد دوباره یا تجدید حیات می دانستند.

فقط نمی خواستم مسلمان باشم

شهرام به خاطر تغییر دین، تحت فشار قرار گرفته و مجبور شده از ایران خارج شود. او در حال حاضر در کمپ پناهندگان در کشور توکیه زندگی می کند.

رادیو زمانه

شهرام از خود می گوید: چندین بار از طرف دولت مرا به حفاظت و اطلاعات بردند. مرا پیش یک دیوار میشانند. خیلی نزدیک رو به دیوار و بعد یک نفر می آمد پشت سر من و میگفت حق نداری پشت سرت را نگاه کنی. اگر نگاه کنی برایت خیلی بد می شود. آن زمان دقیقاً زمانی بود که برادرهای مرا گرفته بودند. آن سال، سال ۱۴ بود. خیلی هارا می گرفتند. بامن خیلی صحبت کردند. به قول خودشان می خواستند مرا ارشاد کنند. من از آن جا بیرون آمدم. بعد از مدتی از جایی که خودم و خانم کار می کردیم، در فنی حرفه ای بودیم. من معلم آنجا بودم. دورشته رادرسی دادم. آمدند و به ما گفتند شما اخراج هستید. یک برگه خیلی کوچک دست نویس به ما دادند. دوست دارم این جمله را بگویم که چه چیزی را نوشته بودند. نوشته بودند با توجه به صلاح مملکت و اداره زوجین اخراج. این برای من جالب بود. به عنوان یک جوان چه کار منفی را من انجام داده بودم. به عنوان کسی که دارد توی این مملکت زندگی می کند. نه آدمی را کشته. نه موادمخدر استفاده کردم. نه جایی را بعب گذاشتم. نه صحبت از اتم و نیمی دانه جنایت و یا خیانت بود. فقط می خواستم آزادانه خدای را پرستم که به او ایمان دارم. می خواستم آن خدا را داشته باشم. بعد آمدم کار دیگری پیدا کردم باز هم مرا اخراج کردند. توی دبیرستان درس می دادم.

بعد از مدتی نزدیک به یک سال بیکار بودم. بعد یکی از عزیزانی که دروواقع دستش با دولت یکی بود آمد به من پیشنهادی را داد، گفت بیا توی سازمان آب و فاضلاب به عنوان مسئول حسابداری استخدام شو. گفتم کار من چیز دیگری است. تخصصم ساختمان است و نقشه های ساختمانی و صنعتی می کشم. اصلاً از حسابداری سر در نمی آورم. گفتند اصلاً مهم نیست ما یک نفر حسابداری می گذاریم کنار تو؛ حسابداری را به تو یاد می دهد و بعد کار کن. من گفتم خلاف قانون است. ولی باین حال شمامی گوید من انجام می دهم. بعد گفت فقط یک شرط دارد که شرط را باید بپذیری. تو کار را میگیری شرطش این است که "مسیحیت" را ول کنی. رها کنی. گفتم بین من غیرممکن است که بخوام مسیحیت را ول کنم من راهی را آمدم و می خواهم تا آخرش باشم و ادامه بدهم. خانه ای که زندگی می کردم ما را جواب کردند. خانه ای را پیدا کردم خیلی می خواهم بگویم سه بار در یک ماه اثاث کشیدن خیلی زیاد است. خانم دیسک کمر گرفت و مشکلات درد کمر داشت و تمام عزیزان می دانند که دیسک کمر چقدر دردش و خیم است.



همان حوالی بود که من حفاظت و اطلاعات می رفتم و می آمدم. کسی را به چشم نمی دیدم. از پشت سر می آمدم و می نشستم و صحبت می کردند. مثل یک جانی یا مثل یک آدم خراب کار یا مثل شخص خیلی وحشتناک با من رفتار می شد. بعضی مواقع می گفتم خدایا من فقط می خواهم ترا پرستم. چرا اینها با من این طور رفتار می کنند. آمد و گفت بین تو شانس زیادی نداری. می گویی مسیحی هستی. باشد تو مسیحی هستی. ولی تو یک وقت در خانه ات را باز می کنی یک دفعه یک جاقو می رود توی شکمت. یا این که داری توی خیابان در می شوی یک ماشین می آید تو را می زند و می کشد. تو هم به عنوان یک مسیحی دیه نداری. من به عنوان یک انسان فقط نزدیک به هشت نه ماه راه به طور خیلی خلاصه بگویم. خیلی مذهبه. ببینید مذهب یارین یک مسأله خیلی شخصی است یا هر کسی برای خودش یک سری مسایل شخصی دارد. ولی اینطور بگویم توی مسأله اسلام زمینه ای که من قبلاً بودم هیچ چیزی به عنوان شخصی وجود ندارد. همه چیز مال آن هاست و آن ها تصمیم می گیرند. ما به عنوان انسان هیچ کاری را مثل این که نمی توانیم انجام بدهیم. به من گفتند حکمت اعدام هست و فرصت کوتاهی به تو میدهم که از راهی که داری پیش می روی برگردی. بعد من بلند شدم و گفتم من فکر خودم را کردم و می خواهم همین طوری که هستم باقی بمانم. سعی کردم بطور خیلی خلاصه بگویم ولی به جرأت می توانم بگویم که هیچ روزی برای خودمان نبود. هیچ لحظه ای را توی ایران برای خودمان نداشتیم. واقعاً زجر می دادند هم از طرف اطرافیان و هم از طرف خود دولت. بعد از مدتی شاید یکی دوسه سال گذشته بود. دیدم حتی آمدمی طلاق همسر من غیبی داده شده بود. وبدون این که اصلاً بخوام حرف بزنم. پدر خانم و برادر خانم هم باقی آن ها تحریک شده بودند از طرف دولت، که طلاق خانم مرا بگیرند. دانشگاه می رفتم به جرم مسیحی بودن اسمش را گذاشتند جرم، به جرم مسیحی بودن و عوض کردن دین و مرتد بودن از دانشگاه اخراج شدم. جایی به راحتی نمی توانستم کاری را انجام بدهم. اسمش را نمی توان گفت زندان رفتن، نمی دانم این را چه بگویم. ولی نزدیک به شش و هفت بار به حفاظت و اطلاعات می رفتم و می آمدم. هر وقت می رفتم به غیر از توهین به غیر از ارشاد به قول خودشان یا این که تهدید کنند که چه بلایی در آینده فراراست سر من بیاید، کاری نمی کردند.

کسی که چند آرزوی درهم ورهم دارد به هیچ کدام از آنها نمی رسد مگر آنکه با ارزشترین آنها را انتخاب کند و آن را هدف نهایی خویش سازد. آرد بزرگ

دست نوازش



روزی در یک دهکده کوچک، معلم مدرسه از دانش آموزان سال اول خود خواست تا تصویری از چیزی که نسبت به آن قدرداران هستند، نقاشی کنند. او با خود فکر کرد که این بچه های فقیر حتماً تصاویر بوقلمون و میز پر از غذا را نقاشی خواهند کرد. ولی وقتی داگلاس نقاشی ساده و کودکانه خود را تحویل داد، معلم شوکه شد. او تصویر یک دست را کشیده بود، ولی این دست چه کسی بود؟ بچه های کلاس هم مانند معلم از این نقاشی مبهم متعجب شده بودند. یکی از بچه ها گفت: من فکر می کنم این دست خدا است که به ما غذا می رساند. یکی دیگر گفت: شاید این دست کشاورزی است که گندم میکارد و بوقلمونها را پرورش می دهد. هر کس نظری می داد تا اینکه معلم بالای سر داگلاس رفت و از او پرسید: این دست چه کسی است، داگلاس؟ داگلاس در حالیکه خجالت می کشید، آهسته جواب داد: خانم معلم، این دست شما است. و معلم به یاد آورد که از وقتی داگلاس پدر و مادرش را از دست داده بود، به بهانه های مختلف پیش او می آمد تا خانم معلم دست نوازشی بر سر او بکشد.



از عزیزی که مایلند آگهی هایشان در این ماهنامه درج گردد، خواهشمند است با شماره تلفن: ۵۲۲-۱۵۲۵ (۸۱۸) تماس حاصل فرمایند.

۳ اسطر آگهی فقط ۲۵ دلار

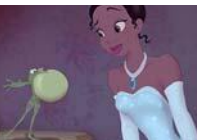
آلبوم "هللویاه ۴" کاری جدید از ژیلبرت مجموعه ای از سرودهای پرستشی



شما میتوانید برای دریافت آلبوم "هللویاه ۴" با شماره تلفن زیر تماس حاصل نمایید.
Gilbert Hovsepian
Tell: (818) 631-5401
Email: info@GilbertH.com

ماجرای یک خانم و قورباغه

خانمی در زمین گلف مشغول بازی بود. ضربی به توپ زد که باعث پرتاب توپ به درون بیشه زار کنار زمین شد. خانم برای پیدا کردن توپ به بیشه زار رفت که ناگهان با صحنه ای روبرو شد. قورباغه ای در تلای گرفتار بود. قورباغه حرف میزد! روبه خانم گفت: اگر مرا از زند آزاد کنی، سه آرزویت را برآورده می کنم. خانم ذوق زده شد و سریع قورباغه را آزاد کرد. قورباغه



به او گفت: نداشتی شرایط برآورده کردن آرزوها را بگویم. هر آرزویی که برایت برآورده کردم، ۱۰ برابر آن را برای همسرت برآورده می کنم! خانم کمی تأمل کرد و گفت: مشکلی ندارد. آرزوی اول خود را گفت: من می خواهم زیباترین زن دنیا شوم. قورباغه به او گفت: اگر زیباترین شوی شوهرت ۱۰ برابر از تو زیباتر می شود و ممکن است چشم زنهای دیگر به دنبالش بیافتد و تو او را از دست دهی. خانم گفت: مشکلی ندارد. چون من زیباترینم، کس دیگری در چشم او به جز من نخواهم ماند. پس آرزویش برآورده شد. بعد گفت که من می خواهم ثروتمندترین فرد دنیا شوم. قورباغه به او گفت شوهرت ۱۰ برابر ثروتمندتر می شود و ممکن است به زندگی تان لطمه بزند. خانم گفت: نه هر چه من دارم مال اوست و آنوقت او هم مال من است. پس ثروتمند شد. آرزوی سومش را که گفت قورباغه جاخورد و بدون چون و چرای برآورده کرد. خانم گفت: می خواهم به یک حمله قلبی خفیف دچار شوم!



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

آیا خدا وجود دارد؟ چه شواهدی وجود خدا را ثابت میکنند؟

بحث منطقی دیگر در زمینه اثبات وجود خدا بحث کازمولوژی (علم مربوط به نظم جهان هستی) است که در آن به رابطه بین علت و معلول میپردازند. بر این اساس، هر معلولی محصول یک علت است. پس جهان هستی به عنوان یک معلول بایستی علتی داشته باشد. و نهایتاً یک وجود (با شخص) غیر معلول که وجودش وابسته به چیز دیگری نیست باعث به وجود آمدن هر چیزی در عالم هستی شده است. این شخص غیر معلول همان خداست. چهارمین نوع بحث، بحث اخلاقی است. فرهنگ های گوناگون، در طول تاریخ، هر یک دارای نوع خاصی از قوانین بوده اند. آدمیان قادر به تشخیص بدی و نیکی نیستند. تقریباً در همه ملت ها قتل، دروغ، دزدی، و فساد اخلاقی مردود شناخته شده اند. این حس تمیز بد و خوب از کجا آمده است اگر از خدای قدوس نشأت نگرفته باشد؟



آداب سخنرانی



یک سخنران، برای اینکه در ایراد سخنان خود موفق باشد، و در شنوندگان تأثیر بگذارد و آنها با خاطره های خوش مجلس را ترک گویند و نکات و عناوینی از سخنرانی را به یاد بسپارند، میباید ملاحظاتی را مد نظر داشته و آدابی را رعایت کنند که عمده آنها به این قرار است:

معتقد بودن به کلام- سخنرانی که به سخنان خود ایمان نداشته باشد نمیتواند با ریا کاری، فکری، حرفی و سخنی را به دیگران بقبولاند. شگفتا که مخاطبان خیلی زود این نکته را در لحن و کلام سخنران کشف میکنند و در مییابند.

فصاحت و بلاغت- به طور خلاصه منظور از فصاحت، روانی و قابل فهم و درک بودن کلام و بلاغت، خوش آهنگی و گرم و مطبوع بودن کلام است.

تسلط بر کلام- کسانی که در سخنرانی به طور دائم، دنبال جمله و کلمه ای می گردند و رشته سخن از دستشان در می رود بر کلام خود مسلط نیستند.

ترس بیمارگونه چیست؟



محققان اخیراً بر مفهومی به نام "درمان روبارو" متمرکز شده اند. به این معنی که فرد باید آگاهانه خود را در همان شرایطی قرار دهد که از آن وحشت دارد. این درمان بر این پایه استوار است که بدن نمی تواند واکنش هایی را که در موقعیت ترس از خود نشان می دهد، به صورت طولانی مدت تحمل کند. این واکنشها سرانجام به اجبار از بین می روند. پروفیسور فیکزن باوم ورود ناگهانی و تدریجی به موقعیت ترس آور را چنین تشریح می کند: مطالعاتی وجود دارند که نشان می دهند ورود ناگهانی بیمار به موقعیت وحشت مؤثر تر است. تصور کنید که می خواهید وارد آب سرد شوید. اگر این کار را سانتی متر به سانتی متر انجام دهید، بدن در هر سانتی متر واکنش جدیدی از خود نشان میدهد. مصرف الکل، روش مورد علاقه بسیاری از افراد برای فرار از تنهایی و افسردگی، پزشکان معالج طرفدار این نظریه به عنوان مثال عنکبوت بزرگی را روی دست کسی قرار میدهند که از عنکبوت می ترسد، یا با کسانی که ترس از ارتفاع دارند به بالای بلندترین ساختمان شهر می روند. درصد موفقیت این روش درمان تا ۸۰ درصد بیان می شود. البته قرار گرفتن بیماران در همان شرایطی که از آن وحشت دارند، برای آنها بسیار مشکل است، به همین دلیل بسیاری از مبتلایان راههای ساده تری را انتخاب میکنند: در خانه خود را حبس می کنند و با ترس خود زندگی می کنند. نتیجه غم انگیز این رویه اما چیزی نیست جز تنهایی و انزوا.

مصرف سیگار خطر پارگی سرخرگ را افزایش می دهد

مصرف سیگار، ریسک و خطر آنوریسم را که نوعی بیرون زدگی و ایجاد کیسه پر از خون در دیواره سرخرگ است، چهار برابر افزایش می دهد. اسامع یا آنوریسم سرخرگ در اثر ضعف دیواره آن خطرناک است و در صورت پارگی، ایجاد خونریزی می کند. خطر بروز آن در زنان بیش از مردان بوده و تعداد مرگ و میر زنان در اثر آن بیش از مردان است.



به گزارش سرویس بین الملل تانناک، مجله آلمانی اشپیگل نوشت: بر پایه تحقیقات پزشکان، سیگار خطر آنوریسم را افزایش میدهد، اما هورمون ها می توانند از بروز آن جلوگیری کنند. آنوریسم شبیه یک کیسه کوچک در دیواره یک لوله است. در آنوریسم آنورت، دیواره ذرگ، کیسه ای کوچک ایجاد می کند که در اثر فشار بالا و جریان خون هرچه بیشتر نازک می شود و خطر پارگی، آنورت را تهدید می کند. با وجود این که مردان بیشتر به آنوریسم آنورت مبتلا می شوند، اما ۴۰ درصد از افرادی که در اثر این بیماری جان خود را از دست می دهند، زن هستند. بر پایه اعلام پژوهشگران مرکز پزشکی شهر میناپولیس در مینسوتا، این در حالی است که سیگار کشیدن، خطر ابتلای زنان به یک آنوریسم آنورتی را بسیار افزایش می دهد. پژوهشگران این مرکز به مدیریت فرانک لدرله، در یک تحقیقات دراز مدت، فاکتورهای ریسک برای ابتلا به آنوریسم سرخرگ را در بیش از ۱۶ هزار زن به مدت ۸ سال ارزیابی و بررسی کردند که در یک برنامه ویژه زنان شرکت کرده بودند. بر پایه نتایج این تحقیقات که هم اکنون در نشریه تخصصی مجله پزشکی انگلیس (بریتیش مدیکال ژورنال) منتشر شده است، ۱۸۴ زن بین ۵۰ و ۷۹ ساله، به آنوریسم سرخرگ مبتلا شدند، در حالی که بخشی از این زنان به موقع عمل شدند، آنورت در بخش دیگری از آنها پاره شده و ۴ نفر از زنان جان خود را از دست دادند. برخلاف مطالعاتی که تا کنون انجام شده، تحقیقات لدرله نشان میدهد که هورمون های که زنان مصرف کرده اند، آنها را از ابتلا به این بیماری در امان نگه می دارد.



صحت کردن با پدرهای دیگر و استفاده از تجربیات آنها می تواند بسیار کمک کننده باشد. اگر احساس می کنید مسئله و مشکلی در مورد پدر خودتان دارید که باید آن را حل کنید، ایده بسیار خوبی است که قبل از به دنیا آمدن بچه با کسی در این باره صحبت کنید. مثلاً یک مشاور یا یکی از اعضای خانواده، تا مانعی بر سر راه رابطه شما با فرزندتان ایجاد نکند.



www.SimaMasih.com

موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلان

فصل چهارم



این یکی از راههای است که میتوان به وسیله آن آرامش خانواده را حفظ کرد. این همان روش پدر سالاری است. در چنین ازدواج هایی تمام تعديلات توسط زن به عمل می آید. در قسمت مهمی از تاریخ بشر و در غالب کشورهای جهان، ازدواج چنین وضعی داشته است. اطاعت زنان از شوهران در داخل و خارج خانه، از بدیهات شمرده میشد. مردان به علت داشتن نیروی بدنی و هم چنین به علت داشتن اختیار کامل در امور اقتصادی، برتری کامل بر زنان داشتند. در واقع زن همیشه تسلیم بوده است. حتی در بعضی از جوامع زندگی و مرگ زن در دست مرد بوده است. نمیتوان گفت که این وضع منحصر به زمانهای قدیم می باشد. در انگلستان قبل از تصویب قانون مالکیت اموال غیر منقول زنان شوهردار در سال ۱۸۸۲ از نمیتوانست مالک چیزی باشد. در موقع ازدواج تمام اموال زن به شوهرش منتقل میگردد. قدرت شوهر بر زن در اینجا هم متوقف نمیشد بلکه او حق داشت زن خود را به وسیله تنبیهات بدنی مطیع سازد مشروط بر این که در این راه از حد متعادل خارج نشود. در آن روزها در مورد این که چه شخصی رئیس خانواده است شکی وجود نداشت. ولی نباید چنین تصور کرد در آن شرایط تمام شوهران مستبد بودند. در واقع در بیشتر موارد از اختیاراتی که داشتند استفاده نمیکردند. حتی وقتی شوهران از اختیارات خود استفاده میکردند تمام زنها بدون قید و شرط تسلیم نمیشدند. زنها خیلی با استعداد هستند و طی قرون متعادی از طریق اطاعت و تسلیم یاد گرفته اند که در شرایط مشکل چگونه می توانند به هدفهای خود برسند. زنها از هزاران طریق می توانند عرصه را بر شوهرانشان تنگ کنند و غالب مردان از این موضوع اطلاع دارند و با زنهاي خود با احترام رفتار مینمایند.

ادامه در شماره بعد...



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

چطور همسر خسیس خود را درمان کنیم؟



افراد خسیس، (والد یا والدین، بسته به اینکه کدامیک به بیماری خساست دچار باشند) همواره از رفتارها و تلاش های فرزندشان در هر زمینه ای ناراضی هستند. این ناراضیاتی از مسائل درسی تا کارها و رفتارهای روزمره آنها را شامل می شود. اما این والدین بر خلاف والدین کمال گرا - که برای موفقیت فرزندشان هزینه کرده و آنها را همراهی می کنند - هیچ تلاش و کمکی برای پیشرفت بیشتر فرزندشان نمی کنند و فقط توقع دارند. مردان یا زنان خسیس هر مسئله ای را با مسائل مالی می سنجند و "پول و درآمد" مهم ترین عامل تعیین کننده در زندگی آنهاست. مثلاً معیار محبتشان، مبلغ، کیفیت یا نوع هدایای خریداری شده است، نه زیبایی این کار. تصمیم گیری برای خرید هر وسیله ساده ای برای منزل باید با اجازه زن یا شوهر خسیس باشد. برای صدور این اجازه هم باید همیشه دلیل قانع کننده ای وجود داشته باشد؛ دلیلی که بتواند فرد خسیس را قانع کند. به این ترتیب، طرف مقابل از هر خریدی منصرف می شود. به نظر شما زندگی ای که یکی از طرفین اختیار کامل دارد و دیگری هیچ اختیاری ندارد، به زندگی در زندان شبیه نیست؟ رفتارها آزادانه نیست؛ ترس از بروز واکنشی نامطلوب از سوی فرد خسیس بر همه رفتارها و روابط سایه افکنده و آزادی عمل را از همه افراد خانواده - به ویژه همسر - سلب کرده است. این افراد در برآوردن نیازهای فردی شان هم امساک می کنند؛ تاحدی که سلامتی شان هم در معرض خطر قرار می گیرد.

...ادامه در شماره بعدی



تنها راه غلبه بر ترس و روبرو شدن با آن است. ما غالباً به طرف حوادثی کشیده می شویم که از روبرو شدن با آنها وحشت داریم. بنابراین اگر از تنهایی بترسید، تنهایی را برای خود به ارمان می آورید. اگر از بدهکار بودن بترسید به احتمال زیاد با تمام زیر و بم آن آشنا خواهید شد. اگر از دستپاچگی و پریشان حالی واهمه داشته باشید همان را تجربه خواهید کرد. این، روش زندگی برای تشویق ما انسانها به رشد کردن است. آندرو متیوز

جایگاه زنان در کتابمقدس زن از نظر مسیح خداوند...



ملکه نینوا با مردان نینوا را یکسان دانسته است. لوقا ۱۱:۳۱ و ۳۲
ملکه جنوب در روز داوری با مردم این فرقه برخاسته، برایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود و اینکه در این جا کسی بزرگتر از سلیمان است. مردم نینوا در روز داوری با این طبقه برخاسته، برایشان حکم خواهند کرد زیرا که به موعظه یونس توبه کردند و اینکه در اینجا کسی بزرگتر از یونس است.

خمیرمایه زن که در توده خمیر گذاشت. لوقا ۱۳:۱۲ تا ۱۴

پس گفت: ملکوت خدا چه چیز را می ماند و آنرا به کدام شی تشبیه نمایم؟ دانه خردلی را ماند که شخصی گرفته در باغ خود کاشت، پس روید و درخت بزرگ گردید، بجانای که مرغان هوا آمده، در شاخه هایش آشیانه گرفتند. باز گفت: برای ملکوت خدا چه مثل آورم؟ خمیرمایه ای را می ماند که زنی گرفته، در سه پیمانه آرد پنهان ساخت تا همه مخمر شد.

مسیح تجربیات زن را با مردان برابر دید. گوسفند گمشده، سکه گمشده. لوقا ۱۵:۴ تا ۱۰

کیست از شما که صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها گم شود که آن نود و نه را در صحرا نگذارد و از عقب آن گمشده نرود تا آن را بیابد؟ پس چون آن را یافت، به شادی پرورش خود می گذارد، و به خانه آمده، دوستان و همسایگان را می طلبد و بیدیشان می گوید با من شادی کنید زیرا گوسفند گمشده خود را یافته ام. به شما می گویم که بر این منوال خوشی در آسمان رخ می نماید. به سبب توبه یک گناهکار بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارند.

خواننده گواهی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای مخصوص دارید؟ تیم دعای مادر ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می باشد. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

Email: Tabdil@iranforchrist.com

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

آدرس پستی:



شاید چالاک ترین انسان نباشم، شاید بالا بلند ترین یا نیرومندترین نباشم، شاید بهترین و زیرک ترین نباشم، اما قادرم کاری را بهتر از دیگران انجام دهم و این کار هنر خود بودن است. لئونارد نیموی



برای تهیه کتابمقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمایید.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)



www.TabdilMagazine.blogfa.com



تفاوت فرقه های مسیحیت

مسیحیت به سه فرقه بزرگ: کاتولیک، ارتدکس و پروتستان، تقسیم شده است. در این شماره بطور خلاصه به بررسی کلیسای پروتستان می پردازیم.

پروتستان به معنای معترض است. کلیسای پروتستان به جهت اعتراض به عملکرد متصدیان کلیسای کاتولیک از جمله خرید و فروش گناه و بهشت و عقونامه های پدران روحانی، بوجود آمد. توماس میشل که خود کشیش مسیحی معاصر است در این باره می نویسد: در حالی که بسیاری از کارگزاران کلیسا مردم را به اصلاح دین فرامی خواندند، جریان بخشش نامه هانندتوپ صدا کرد، ایجاد و شکاف در کلیسای غربی را قطعی نمود. قضیه از این قرار بود که شماری از واعظان پر شور مناطق مختلف، اروپا را زیر پا گذاشتند و در همه جا اعلام کردند که هر مؤمنی می تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا خود را از مجازات باز خرید کند و نجات دهد. در این هنگام "مارتین لوتر" (۱۵۴۶م) قیام کرد و در سال ۱۵۱۷ اعلامیه ای مشتمل بر ۹۵ ماده پیشنهادی انتشار داد. برخی از پیشنهادها ای از نظر ایمان کاتولیک مردود و غیرقابل قبول بود، ولی چیزهای تازه ای نیز میان آنها وجود داشت، از جمله: نجات فقط از راه ایمان به دست می آید. کتابمقدس تنها منبع ایمان مسیحی است. نباید معتقد بود که عشا ربانی قربانی است. رهبانیت و نذر کردن برای آن باطل است. افراد غیر روحانی باید نقش مهم تری در مراسم عبادی و رهبری دینی داشته باشند. کلیسای محلی باید از کلیسای روح مستقل شوند... باید با کارهای غیر قانونی مانند "بخشش نامه ها" و فروش مناصب برخورد شود.



یک آمریکایی - پاکستانی تباری که با ایجاد یک فرستنده تلویزیونی قصد داشت چهره "مدارطلب اسلام" را به مردم آمریکا بشناساند، به اتهام بریدن سر همسر سابق خود، به زندان افتاد. گزارش ولت آنلاین در این مورد حاکیست که معظم ال حسن بیش از ۲۵ سال است که در "بالو"، از ایالت نیویورک زندگی می کند. او در سال ۲۰۰۴ با ایجاد یک فرستنده تلویزیونی به نام بریج (پل)، قصد داشت پلی بین فرهنگ های مختلف بسازد. معظم ال حسن ۴۴ ساله با مراجعه به پلیس، قتل همسر ۳۷ ساله اش آسیا حسن را به اطلاع مأموران رساند. جنازه همسرش در استودیوی تلویزیون پیدا شد. معظم ال حسن متهم است که همسرش را بخاطر تقاضای طلاق به قتل رسانده است.

سال چهارم شماره ۴۱ مارچ ۲۰۰۹

Tabdil Magazine
SPECIAL SECTION
ماهانامه تبديل

Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

جایگاه برجسته ملل اسلامی در لیست جغرافیایی به مسیحیان

ملل اسلامی در لیست ده گانه کشورهای که بدترین جفاها را به مسیحیان می رسانند، اکثر جایگاهها را از آن خود کردند. جمهوری اسلامی در این لیست رتبه...



عربستان سعودی باز هم در رتبه دوم قرار گرفت و پس از آن جمهوری اسلامی در رتبه سوم، افغانستان در رتبه چهارم، سومالی در رتبه پنجم، مالدیو در رتبه ششم، یمن در رتبه هفتم و ازبکستان در رتبه دهم، قرار گرفت. تعداد کشورهای مسلمان این لیست در مقایسه با

لیست سال پیش مؤسسه مسیحی "دراهای باز" یکی بیشتر است. برای هفتمین سال متوالی، رتبه اول لیست به حکومت دیکتاتوری کره شمالی اختصاص دارد. دکتر کارل مولر، رئیس مؤسسه "دراهای باز" آمریکا، به تغییرات موجود در لیست سال جدید، از جمله ظهور دوباره سومالی اشاراتی می کند: سومالی و اریتره نیز در این لیست ده گانه وجود دارند. این مسئله حاکی از آنست که جامعه مسیحی در آن ناحیه از آفریقا به شدت سرکوب می شود. همچنین کشور افغانستان، دو رتبه صعود کرد و به شماره پنجم رسید؛ چرا که فعالیتهای گروه مسلمان و افراطی طالبان، که اداره کنندگان اسبق کشور نیز بودند، باردیگر افزایش یافته است. مولر همچنین اشاره کرد که دو کشور آسیایی چین و بوتان امسال از لیست خارج شده اند. با اینکه چین با رتبه دوازدهم، امسال جایگاهی در این لیست نداشت، اما دکتر مولر گفت سازمان ما باید نظارت مداومی به وضعیت مبهم و مرموز این کشور، که سابقه بدی در آزادی دین دارد، داشته باشد. او می گوید: با اینکه چین در حال حاضر، بالاترین حد آزادی را در طول تاریخ تجربه میکند، دوباره در چند ماه گذشته، شاهد دستگیری، حبس و بازجویی از تعدادی مسیحی، بدون ذکر علت بوده است. و این نوع جغرافیایی به ویژه در مناطق روستایی، همچنان ادامه دارد. دو کشوری که خوشبختانه میزان جفا در آنها کاهش یافته، یکی ویتنام است که از رتبه هفدهم به بیست و سوم تغییر مکان داده و دومی کلمبیا است که از لیست پنجاهگانه هم خارج شد.

لازم به ذکر است که کشور ویتنام در سال ۲۰۰۶ رتبه هشتم همین جدول را داشت. می توانید به آخرین نسخه منتشر شده از این لیست که متعلق به سال ۲۰۰۹ است، نگاهی بیندازید:

- ۱- کره شمالی ۲- عربستان سعودی
- ۳- ایران
- ۴- افغانستان
- ۵- مالدیو
- ۶- یمن
- ۷- لاوس
- ۸- اریتره
- ۹- ازبکستان

دعانویسی که بر رو بدن لخت زنان دعا می نوشت بازداشت شد



مردی که به بهانه دعانویسی، زنان جوان را اغفال میکرد و آنان را وادار میکرد که لخت شوند تا بر روی بدن آنها دعا بنویسد و آنان را مورد آزار جنسی قرار میداد، دستگیر شد.

طبق گزارشی به نقل از خبرنگار هفت تیر، زنی به کلاتری ۱۸ فرجه و رامین رفت و علیه مردی دعا نویس شکایت کرد. او گفت: من در زندگی ام مشکلاتی داشتم و هیچ راه حلی برای آنها پیدا نمی کردم تا اینکه از همسایه ها شنیدم فردی در قرچک با دعانویسی و رمالی مشکلات و گرفتاریها را برطرف می کند. به امید اینکه زندگی ام به روال عادی برگردد و روزهای خوشی را تجربه کنم به محل کار مرد مال رفتن و از او خواستم برایم دعایی بنویسد.

آن مرد با حوصله به حرفهایم گوش کرد و از مشکلاتم باخبر شد. بعد گفت علاج کار را میداند و دعایی بلد است که به همه این بدبختیها پایان میدهد. زن شاکی ادامه داد: مرد دعانویس به من گفت برای اینکه دعا اثر بیشتری داشته باشد باید آن را روی بدنم بنویسد. من که از گرفتاریها به تنگ آمده بودم و دنبال راه نجاتی می گشتم و از طرفی چون آن مرد مسن بود مخالفتی نکردم. پس از این که لباسم را در آوردم مرد دعانویس به همراه نوشتن بدن من را لمس میکرد و متوجه شدم که رفتار او غیر عادی است و من به رفتار او اعتراض کردم و خواستم لباسم را بپوشم که او بدون توجه به واکنش من، مرا مورد آزار جنسی قرار داد و به من تجاوز کرد. پس از شکایات این زن مأموران با انجام هماهنگیهای لازم به محل کار متهم که یک مغازه بود رفتند و وی را در حالی که قصد داشت بر روی بدن زن دیگری دعا بنویسد، دستگیر کردند.

سر هنگ ایرج قاسم آبادی با معرفی متهم ۶۰ ساله به نام "علی م." از افرادی که مورد سوء استفاده او قرار گرفته اند خواست برای طرح شکایت به پلیس ۷- لاوس ۸- اریتره ۹- ازبکستان

آزادی زندانی مسیحی در کرج پس از ۲۷ روز

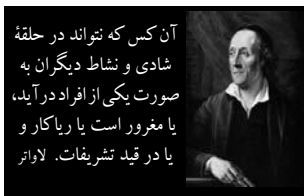
در پی نگرانی و بی خبری از وضعیت بازداشت این هموطن مسیحی، پس از گذشت ۲۷ روز به خانواده او خبر دادند که با واگذاری سند منزل آزاد خواهد شد.



در پی بازداشت یکی از نوکیشان مسیحی بنام حسین کریمی که صبح روز جمعه مورخه ۳۰ ژانویه ۲۰۰۹ توسط تعدادی از

مأمورین امنیتی (لباس شخصی) در کرج صورت گرفت، نامبرده پس از گذراندن ۲۷ روز در بازداشت در روز چهارشنبه مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۰۹ با واگذاری سند منزل بعنوان ضمانت آزاد گردید. نامبرده در تاریخ قیدشده، پس از بازداشت توسط نیروهای ستاد خبری اطلاعات در کرج، به مکان نامعلومی انتقال داده شد که تا زمان آزادی ایشان از محل نگهداری و وضعیت سلامت وی در طول ۲۷ روز دوران بازداشت هیچ اطلاعی در دسترس نبود و مسئولین امنیتی در رابطه با دلایل بازداشت ایشان حتی حاضر به پاسخگویی به مراجعات مکرر نزدیکان وی نبودند.

به گفته منابع آگاه، حسین کریمی ۲۷ ساله از نوکیشان مسیحی بر حسب مستندات به اتهام عضویت در کلیساهای خانگی، بشارت انجیل و حمل و نگهداری کتاب مقدس، ایمان و اعتقاد مسیحی و تغییر دین (ارتداد) بازداشت شده بود. بر این اساس نامبرده پس از آزادی موقت در روزهای آینده از سوی مراجع قضایی تاریخ و زمان دادگاه به ایشان ابلاغ خواهد شد. لازم به ذکر است این شهروند مسیحی بیش از این نیز در تاریخ ۲۶ آبانماه سال جاری نیز توسط مأمورین امنیتی در کرج بازداشت شده بود که پس از انجام مراحل عکس و انگشت نگاری و اخذ تعهد مبنی بر عدم فعالیت های مسیحی پس از ۴ روز بازداشت، آزاد گردید.



آن کس که نتواند در حلقه شادی و نشاط دیگران به صورت یکی از افراد درآید، یا مغرور است یا ریاکار و یا در قید تشریفات. لائوس

همسر یک کشیش توسط چند مسلمان خشمگین مورد تجاوز قرار گرفت

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از Compass Direct، کشیش "شانکارهازارا"، ۵۵ ساله که در کلیسای باپتست دهکده "وناباری" مشغول خدمت است، به گزارشگران گفت که همسر ۴۵ ساله اش، "دیپالی"، در تاریخ ۶ ژانویه توسط چند مسلمان که به منزلشان هم دستبرد زده بودند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. هازارا "به این آژانس خبری مسیحی می گوید؛ همه چیز از لحظه ای شروع شد که او و همسر او در شب برای استفاده از توالی که خارج از فضای خانه واقع بود، وارد حیاط شدند؛ تا گهگاه مردی در تاریکی جلوی ما ظاهر شد و با سر تفنگش ضربه ای به من زد، طوریکه پرت شدم و گفت که ساکت باشم، و گر نه هر دوی ما کشته



خواهیم شد. "هازارا" ادامه می دهد که هشت مرد به آنها حمله کردند و بعد چشم همسرش را بستند و او را داخل خانه بردند. بعد از مدتی که حمله کنندگان خانه را ترک میکنند، کشیش "هازارا" به سختی سعی می کند که دست و پای خود را باز کند و وقتی به سرعت سراغ همسرش میرود، او را بپوشش روی تخت می پاید. "هازارا" معتقد است که پلیس، ساکتین با نفوذ دهکده و همچنین رسانه های محلی که صاحبان آنها مسلمانند، سعی دارند حرکت های ضد مسیحی که رُخ می دهند را پنهان کنند. بنابراین نه تنها این جنایت مسلمانان افراطی پوشش خبری داده نشده و مورد بررسی پلیس قرار نگرفته، بلکه به اشتباه چند مسیحی و یک هندو متهم به دست داشتن در این جریان شده اند.

این تنها گوشه ای از اقدامات بر ضد مسیحیان است. در بنگلادش که اسلام، مذهب رسمی کشور است، اقدامات کثیری توسط مسلمانان بر ضد مسیحیان انجام می شود که این مسئله، نگرانی عموم را بر انگیزه است. اما دولت بنگلادش می گوید قصد دارد آزادی دین را تضمین کند؛ درخواست دعا برای امنیت و حفاظت مسیحیان در برابر افراطیون مذهبی در داکا- بنگلادش.



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ستون پنده ۵۵۵



زن و شوهری بعد از سالیانی که از ازدواج آنها می گذشت در حسرت داشتن فرزند به سر می بردند. با هر کسی که توانسته بودند مشورت کرده بودند اما نتیجه ای نداشت، تا این که به نزد کشیش شهر رفتند. پس از این که مشکل آنها را به کشیش گفتند، او در جواب آن زوج گفت: ناراحت نباشید من مطمئنم که خداوند دعاهای شما را شنیده و به زودی به شما فرزندی عطا خواهد نمود. با این وجود من قصد دارم به شهر رُم بروم و مدتی در آنجا اقامت داشته باشم، قول می دهم وقتی به واتیکان رفتم حتماً برای استجابت دعای شما شمع روشن کنم. زوج جوان با خوشحالی فراوان از کشیش تشکر کردند. قبل از این که کشیش آنجا را ترک کند، بازگشت و گفت: من مطمئنم که همه چیز با خوبی و خوشی حل می شود و شما حتماً صاحب فرزند خواهید شد. اقامت من در شهر رُم حدود ۱۵ سال به طول خواهد انجامید، ولی قول می دهم وقتی برگشتم حتماً به دیدن شما بیایم. ۱۵ سال گذشت و کشیش دوباره به شهرش بازگشت.

یک نیمروز تابستان که داخل اتاق خود در کلیسا استراحت می کرد، یاد قولی افتاد که ۱۵ سال پیش به آن زوج جوان داده بود و تصمیم گرفت تا سری به آنها بزند پس به طرف خانه آنها به راه افتاد. وقتی به محل اقامت آن زوجی که سالها پیش با آن مشورت کرده بودند رسید زنگ در را به صدا درآورد. صدای جیغ و فریاد و گریه چند تا بچه تمام فضا را پر کرده بود. خوشحال شد و فهمید که بالاخره دعاهای این زوج استجاب شده و آنها صاحب فرزند شده اند. وقتی وارد خانه شد بیشتر از یک دوجین بچه را دید که دارند از سر و کول همدیگر بالا میروند و همه جارا گذاشتن روی سرشان و وسط آن شلوغی و هرج و مرج هم مادرشان ایستاده بود. کشیش گفت: فرزندانم! می بینم که دعاهای شما مستجاب شده... حالا به من بگو شوهرت کجاست تا به آن هم به خاطر این معجزه تبریک بگویم. زن مایوسانه جواب داد: آن نیست... همین الان خانه را به مقصد رم ترک کرد. کشیش پرسید: شهر رُم؟ برای چی رفته رُم؟ زن پاسخ داد: رفته تا آن شمع را که شما برای استجابت دعای ما روشن کردید خاموش کند!

ارمنی ها از این بابت نگران بودند، چون می دانستند دوباره به ربکا اظهار عشق خواهد نمود. سعیدخان به همدان برگشت و همانطوری که ارمنی ها پیش بینی کرده بودند، نسبت به عشق خود وفادار مانده بود. سرانجام پس از چند مرتبه خواستگاری، کشیش سیمون به یک شرط با ازدواج آنها موافقت کرد و آن شرط این بود که سعیدخان در حضور مسیحیان و مسلمانان تعمید بگیرد. او گمان می کرد که با پیشنهاد این شرط عاشق دلباخته را تهدید و منصرف خواهد ساخت، در صورتی که سعیدخان از این پیشنهاد بسیار خرسند گردید، زیرا بارها تقاضای غسل تعمید را کرده و هر بار به علت ترس به خواسته اش توجهی نشده بود. در روز موعود یعنی دهم آوریل ۱۸۸۷ میلادی، سعیدخان در برابر عده زیادی از افراد مسیحی و غیره، به مسیحی بودن خود اعتراف کرد و به غسل تعمید نائل گردید. او اولین شخصی بود که در ملاء عام آئین مسیحیت را پذیرفت. او از اینکه سرانجام به این روز بود از شادی در پوست خود نمی گنجید. پدر ربکا با طیب خاطر به ازدواج آن دو موافقت کرد.

کشیش یوحنا محبوب هم برای دیدار دوستان به همدان آمده بود، انجام مراسم عقد را به عهده گرفت. در خردادماه ۱۲۶۷ خورشیدی دسته کوچکی از دوستان، در اطاق عروس جمع شدند تا شاهد بر این پیوند زناشویی باشند. اگرچه خانه کشیش جای امنی بود و همه مدعوین و اهل خانه در آن موقع شادمان بودند، ولی انتخاب آن روز تعطیل مذهبی روز مناسبی نبود. روز بعد اعلامیه ها بر در و دیوار بازار الصاق و از مردم متعصب دعوت شده بود که برای انتقام گرفتن از سعیدخان که دین خود را ترک کرده و با ازدواج کردن با یک مسیحی بیگانه به دین و ملیت آنها توهین کرده بود، حاضر باشند. طولی نکشید عده کثیری جمع شدند. آنها از کار و کاسبی خود دست کشیده در خیابانها به راه افتاده بودند. آنها سوگند یاد کرده بودند تا سعیدخان را نکشند، آرام نکشند. پس لازم بود هرچه زودتر برای پراننده ساختن آنها اقدامی بشود. اتفاقاً حاکم شهر و امام جمعه، دو نفر عالی مقام و متنفذ با دکتر الکساندر دوست بودند، سعیدخان را می شناختند و او را دوست داشتند. دکتر الکساندر وقت را مغتنم شمرده به نزد آنها رفت و تقاضا نمود که شورش را ساکت گردانند. بدین طریق جمعیت پراکنده و آرامش اولیه برقرار گردید. در این اثناء ارمنی ها در منازل خود از شدت ترس می لرزیدند، ولی کشیش سیمون بدون آنکه ترسی به خود راه بدهد با خیالی آسوده جلو در منزل خود نشسته، پا را روی پا انداخته بود و چپ می کشید.

سعیدخان هم هیچگونه ترسی نداشت. مزمور ۹۱ که در روز عروسی اش خوانده شده بود، وی را قوت قلب و آرامش خاطر می بخشید. اما برای ربکا ماههای بعد از ازدواج بسیار ترسناک و ملال آور بود. خورشید که غروب می کرد، حرکت هر سایه ای را یک شخص می پنداشت کوچکترین صدایی، وی را از جای خود می پراند و متوحش می ساخت. سعیدخان که غالباً شبها دیر به منزل می آمد، میدید که همسرش با یک اضطراب و دلواپسی در را قفل کرده و آمدنش را انتظار می کشید. مخصوصاً ربکا از این لحاظ نگران بود که مبدا دشمنان، شوهرش را بعنوان عیادت و معالجه بیمار به منزل ببرند و به او زهر بدهند. اما سعیدخان باین وعده مسیح که به شاگردان خود فرمود: اگر چیز کشنده ای را بخورید به شما آسیبی نخواهد رسید. همسر خود را دلدار می داد. سعیدخان سخت سرگرم خواندن درس طب بود و علاوه بر مطالعه کتابهای مدرن طبی او از کتابهای رازی و ابوعلی سینا هم استفاده می کرد. هر قدر تجربه او در علم پزشکی بیشتر میشد، به همان اندازه هم مسئولیتهای بیشتری به عهده اش میگذاشت. او در حین انجام وظیفه در درمانگاه دکتر الکساندر، به طبقات مختلف مردم نیز بشارت میداد و درباره مسیح صحبت میکرد. فعالیتهای او از مرکز کارش به وسیله مسافرتها بشارتی به دهات مجاور نیز توسعه پیدا کرد. طبابت و بشارت با هم توأم و این هدف غائی سعیدخان بود.

۳۴

ادامه در شماره بعد...

طیب محبوب



شرح زندگی

دکتر سعیدخان کردستانی

قسمت سوم: آزمایش

پس از چند ماهی تدریس و سکونت در منزل کشیش سیمون که در خلال آن بطور محسوس تحت تأثیر مهمان نوازی و محبت این خانواده محترم قرار گرفته بود، دریافت که عاشق ربکا دختر سیمون شده است، یعنی عشقی که دوجانبه بود. ربکا دختری نجیب و خوش اخلاق و باهوش، ولی زیبایی صورتش را در کودکی در اثر بیماری آبله از دست داده بود. سعیدخان به صورت زیبا توجهی نداشت، او سیرت زیبا می خواست. او هوش، ذکاوت، تقوی، تقدس و پرهیزکاری را بالاتر از هر چیز دیگر می دانست. ربکا هم دارای کلیه صفات و سجایا و خصائل پسندیده فوق بود. ربکا از یک دبیرستان مشیرین مذهبی در رضائیه فارغ التحصیل شده و در همدان در دبستانی که آن هم متعلق به یک مشیرین مذهبی دیگر بود، تدریس می نمود. مزاجت با چنان دختری نه فقط آرزوی قلبی سعیدخان را برآورده می ساخت، بلکه این موضوع، ایمان و اعتقاد راسخ وی را به مسیح، بر دوستان مسلمان خود ثابت می گردانید. وقتی داستان عشقی سعیدخان و ربکا به گوش کشیش سیمون و سایر ارمنی ها رسید، سخت به مخالفت برخاستند. پدر ربکا با ازدواج آن دو به شدت مخالفت می کرد، زیرا علاوه بر اختلاف نژادی و زمینه مذهبی وصلت یک دختر مسیحی با یک شخص جدیدالایمان مسیحی موجب کدورت و عداوت بین مسلمانان و ارمنی ها میشد و آنها را با یک مسئله بغرنج و لاینحل روبرو میساخت. ارمنی ها بسیار خشمگین شدند و می خواستند هرچه زودتر سعیدخان را از شهر اخراج گردد. بیچاره سعیدخان!

او اصلاً به فکرش هم خطور نمی کرد که روزی مسیحیان بدتر از مسلمانان با وی رفتار کنند. بهر حال، چنان مصلحت دیده شد که او به تهران برود. مشیرهای تهران در حق وی بسیار مهربان و دلسوز بودند. هنوز مدتی از ورودش نگذشته بود که به بیماری سختی مبتلا شد. این مدت بیماری اگر چه وی را جسماً رنجور و ناتوان ساخت، ولی فرصتی بود که حضور خدا را زندگی و در روحانیت رشد کند. بهار ۱۲۶۶ خورشیدی، دکتر الکساندر پس از گذراندن تعطیلات در آمریکا، به ایران مراجعت کرد و چون مایل بود کار خود را در درمانگاه از نو آغاز کند، خواست سعیدخان، دستیار قدیمی اش را هم به پیش خود ببرد.



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

**خداوند، من اعتراف میکنم گناهکار هستم. ایمان دارم
که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان
خود را فدا نمود و به وسیله رستخیز از مردگان و غلبه
بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او
را بعنوان نجات دهنده در قلب خود میپذیرم. آمین**



قبل از ازدواج، توقعاتتان را ارزیابی کنید

تعطیل زود از خواب بیدار شود و دیگری ترجیح می دهد که بیشتر بخوابد و دیرتر بیدار شود. به این روش بعد از مدتی طرفی که زود بیدار میشود دیگری را متهم به تنبلی می کند و آن یکی این را به وسواسی بودن متهم می کند. زوجها باید بتوانند عشق را از واقعیت جدا کنند. رابطه های موفق تصادفی اتفاق نمی افتند؛ نیازمند تلاش روزانه و لذت بردن از رابطه است. زوجها اگر از نقاط مثبت خود بهره برده و با کار کردن روی نقاط منفی خود آنها را بر طرف کنند بسیار راحت تر در رابطه پیشرفت میکنند. هیچوقت نباید از کسی دیگری انتظار داشته باشید که خوشبختتان کند. باید یاد بگیرید که قبل از اینکه زندگیتان را با کسی دیگری تقسیم کنید، بتوانید با خودتان خوشحال و خوشنود باشید. برای موفقیت رابطه میل به سازگاری اهمیت زیادی دارد چون محیط مستعد تغییر است. یک تعهد طولانی مدت مبنی بر انتظارات مطلق و واقعیتها بین تغییرات فردی، زوجی و اجتماعی تعادل ایجاد میکند. خوشبین بودن هم خیلی کمک می کند.

ماهانامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهانامه تبدیل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____

Address _____

City _____ State _____

Zip _____

Phone () _____

Please clip and return with payment to:

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525

<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>

نوروزتان در غربت مبارک باد

سال نو ایرانی را به تمام شما هموطنان ارجمند و عزیزم در هر کجای دنیا که هستید صمیمانه تبریک عرض میکنم و امید سربلندی و موفقیت شما عزیزان را از درگاه خداوند دارم. به امید روزهایی که عیدمان را دوباره در آغوش دماوند سربلند و البرز سرفراز مان جشن بگیریم و سفره هفت سین مان را به پهنای ساحل دریای خزر تا خلیج فارس مان پهن کنیم و به طول چاه پهلوان تا مرز بازرگان مان و به عرض خطه سلجوق سرخس تا الوند رود خروشان مان شادمانی کنیم. امیدوارم در هر کجا که هستید ایرانی باقی بمانید و ایرانی زندگی کنید زیرا برای ایرانی مردن باید ایرانی زیست. با تقدیم این سروده ناقابل عیدتان را تبریک میکنم.

بزم نوروز در غربت:

تا شمع بزم میهن بر سر زبانه دارد
پروانه بهر دیدن میل و بهانه دارد
دور از وطن گلستان گردد اسیر تیشه
در بیشه بین که ریشه صدها جوانه دارد
دیوار بخت و اقبال هر چند بلندست اینجا
لیکن به روی دیوار زنبور لانه دارد
از دولت تخیل افسانه شد حقیقت
اما حقیقت اینجا صدها افسانه دارد
دنیا غریب دل شد یا دل غریب دنیا
در هر دو حالت این دل رنج زمانه دارد
آهو به دشت غربت هرگز دمی نیاورد
در دشت خرم اینجا صیاد خانه دارد
با هژده ولایت گیسوی خویش افشان
زین رو که بر سر خویش صد دانه شانه دارد
مهر وطن چو در دل بیگانه با ریا شد
این دل برای فردا صدها ترانه دارد
در شام تار غربت هر کس وطن شناسد
تا وقت صبح روشن بزم شبانه دارد
گرد و غبار ظلمت هرگز بجا نماند
چون چشم مام میهن اشکی روانه دارد
عشق وطن نه حرفست نی صحبت و هیاهو

عاشق بغیر گفتن صدها نشانه دارد

همیشه سبز باشید

دوستدار لحظات پیرومندان

کشیش جلیل سپهر

تالسا- آمریکا

۶۹۰۹ - ۷۲۴ (۹۱۸)



قهرمان



مادر می گوید: بسه دیگه. پسر داد می زند. مادر می گیرد. شما دیگه زندگیتون رو کردید. چیزی نمی خواهید. خانه را به من بدهید. آن را می فروشم. آقای خودم میشوم. مثل همه مردم. پدر ساکت است. مثل همیشه خونسرد. مادر حق می گوید. آن وقت ما چکار کنیم؟ سرگیری بی سرپناه بشویم. مثل همه پیرمرد و پیرزن خانه سالمندان بروید. اصلاً نمی خواهد آنجا بروید، مغازه را که دارید. جایی را اجاره کنید، سر کنید تا زیر خاک بروید. نمی خواهید که تا ابد روی کره خاکی باشید. پدر گت خود را برمی دارد. پسرش را نگاه می کند. پسر سرخ است. رو به پنجره ایستاده است. پدر ما که بدی تو را نمی خواهیم. به دنبال یک کاری برو. خودم سفارش تو می کنم. هنوز این قدر آبرو دارم که روی مرا زمین نزنند. برای خودت یک زندگی راست و ریست کن. اینجا هم مال تو می شود. صحبت پدر را قطع می کند. هنوز عصبانی است. صدایش لرزش دارد. شبیه من چه داده اید تا زندگی درس کنم؟ زندگی مایه میخواید. دوستانم همه ماشین دارند، خانه دارند. بی چیز شون هستم. همیشه جلوی آنها سرافکنده ام. سربار آنها هستم. صدفه سری جناب قهرمان من را راه می دهند. صدفه سری اسم شما. شما هم نگاه به من نمی کنید. پدر، من هر چه دارم به تو می دهم. و سعم بیشتر از این نیست. ما که بدی تو را نمی خواهیم. چی نداری؟ تو قهرمانی! مدال داری. قهرمان بوکس آسیا! هه، قهرمانی داخل میدان است. از گود که بیرون آمدی کسی تو را نگاه نمی کند. اسم فقط من قهرمان است. دارید یا ندارید، همین که گفتیم. لازم شد برای تو خون به پا می کنم. پسر بیرون می رود، در را محکم می بندد. مادر می گیرد. الهی بری... تریاکی لوده. مرد نکند به پول بدهی. همه شو را دود می کنند. خودش و آن رفقاییش. مرد آه می کشد، به مدال های آویزان از دیوار نگاهی می کند. ای کاش به جای این مدال ها روی سر بچم دست می کشیدم.

...و اگر مسیح برنخاسته، هم وعظ ما
باطل است، هم ایمان شما. اول قرتیان ۱۵: ۱۴



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

اگر در وضع بد اقتصادی

قرار دارید، و نیاز دارید تا برای شما دعا بشود، با این شماره تلفن تماس بگیرید.

۱۵۲۲-۵۲۲ (۸۱۸)

دعای مرد عادل در عمل

قوت بسیار دارد. انجیل مقدس

محبت به همدیگر

این همان پیغام آغازین ماست
مهربانی شیوه آئین ماست
آن برادر، گشت قایل شریر
چون که از بد بود، روحش ناگزیر
چون که بد بود و بدی کردار او
وان برادر نیک و نیکی کار او
ای برادرها! شگفت آور نبود
گر که عالم از شما نفرت نمود
ما گذشتیم از ممات و در حیات

پا نهادستیم، ای نیکوصفات
زین سبب مهر برادر در شماس
مهربانی شیوه آئین ماست
هر کسی مهر برادر را نداشت
ساکن مرگ است و بذر حق نکاشت
از برادر هر کسی نفرت نمود
او حیات جاودان از خود ربود
این چنین کس قاتل و جانی بُود
قاتلان را زندگی فانی بُود
او خود آن درس محبت را بداد
کاندرین ره جان خود از کف نهاد
زین سبب ما، مهربانان گشته ایم
جان خود بهر برادر هشته ایم
هر کسی را عیش عالم برقرار
گر بیند آن برادر در کنار
کو، به رنج اندر به سختی در تلاش
بایدش یاری کند اندر معاش
گر بدارد رحمتش از وی به دور
این چنین کس از خدا باشد به دور
مهر حق را در دل او جا نبود
چون محبت را دریغ از وی نمود
مهربانی با زبان کافی نبود
در عمل باید محبت ها نمود
زین سبب دانیم کز حق رسته ایم
رامش دل های خود را جسته ایم
هر زمان کاین دل نکوهشگر شود
روح حق در سینه رامشگر شود
چون خدا از دل بسی برتر بُود
بر همه چیزی خدا آگه بُود
مهربانان! باز گویم بر شما
دل قوی داریم در پیش خدا
هر چه خواهیم از خدا بخشد به ما
چون که حکمش را به جای آریم ما
چون که حکمش را نگه داری کنیم
آن چه آید در پسندش آن کنیم
حکم او ایمان به نام پور اوست
مهر عیسا، گوهر دستور اوست
ما عمل بر مهر و بر ایمان کنیم
چون که فرمان داد، ما خود آن کنیم
هر که حکمش را نگه داری کند
خود در اویست و هم او یاری کند
زین سبب دانیم در ما جای اوست
روح او در ما و دل ماوی اوست
بزرگمهر و بزری



خواننده گرامی؛ چنانچه مایل
هستید، می‌توانید نسخه چاپی
کتاب مقدس فارسی را در وب سایت
زیر مطالعه فرمایید.
www.SimaMasih.com



بزرگترین دژ آجری ایران

در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی فومن در قسمتی از ارتفاعات پوشیده از درختانی سرسبز قلعه رودخان بزرگترین دژ آجری کشور قرار دارد، مدت‌ها مرکز فرمانروایان گیلان بوده است. مساحت قلعه در حدود ۵۰ هزار متر مربع و در ارتفاع ۶۰۰ متری در بلندترین نقطه کوه واقع شده است. ۶۵ برج و دیواری به طول ۱۵۰ متر دارد. رطوبت بیش از حد هوا باعث رویش گیاه در لایه‌لای دیوارهای قلعه و پوشیدگی آنها شده، اما با این حال در مقایسه با قلعه‌های دیگر، رودخان سالم مانده است.



برخی بنیاد قلعه رابه دوره ساسانیان یعنی قبل از اسلام نسبت داده‌اند. قلعه در زمان سلجوقیان تجدید بنا شده است و از پایگاه‌های مبارزاتی اسماعیلیان بوده است. برای رسیدن به این قلعه بعد از عبور از شهر فومن و گذشتن از روستاهای گشت، کرد محله، سیاه کش، شمس تالان، گوراب پس، هولس کام، سیدآباد و قلعه رودخان به روستای حیدرآلات می‌رسیم که از این روستا تا خود قلعه حدود ۵ کیلومتر فاصله است که شامل مسیری زیبا همراه با رودخانه‌ای کوچک می‌باشد.



وقتی که همه چیز به راحتی در زندگی پیش می‌رود، ایمان موضوع بسیار آسانی می‌گردد. وقتیکه سلامتی و موفقیت وجود دارد، پرستش خداوند کار آسانی است. امتحان ایمان زمانی بیشتر می‌گردد که تمامی موقعیتهای زندگی در تلخی و ناکامی فرو می‌روند.



ما می‌دانیم که دعا کردن درباره موضوعات مربوط به فقر جهانی و رویدادهای جهانی تأثیری در زندگی ما و دیگران خواهد داشت.

به نقل از شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از کریستن‌تودی، هفته‌نمایش برای فقر جهانی بخشی از برنامه‌های سازمان تیرفاند است که طی آن از کلیساها خواسته شده صداهای خود را متحد کرده و خواستار کمک



خداوند در مناطقی شدند که از فقر شدید، فقدان آب آشامیدنی، تبعات تغییرات جوی و نرخ بالای آج‌آی وی و سایر چالش‌ها رنج می‌برند.

متیوفر است مدیر اجرایی سازمان مسیحی تیرفاند اظهار داشت: جهان در دست ما است یا ما در دست جهان هستیم. خداوند ما را به این جهان آورده و به همکاری دعوت کرده و ما می‌دانیم که او به دعاها می‌پاسخ می‌دهد. هفته‌نمایش برای رفع فقر جهانی با حضور فعال جوانان و برقراری اماکن ویژه‌ای برای نمایش برگزار می‌شود.

فرست افزود: ما می‌دانیم که دعا کردن درباره موضوعات مربوط به فقر جهانی و رویدادهای جهانی تأثیری در زندگی ما و دیگران خواهد داشت. تیرفاند بخشی از ائتلاف سازمانهای امدادی است که به رهبران گروه ۲۰ گفته تنها سیاستهای عادلانه و ثابت‌پذیر می‌تواند جهان را از مرحله رکود عبور دهد. این پیام در آستانه برگزاری اجلاس گروه ۲۰ ارسال شده است؛ رهبران گروه ۲۰ روز دوم آوریل برای بحث درباره بحران اقتصادی جهان گرد هم جمع می‌شوند.

۱۰ سال پیش زنی به نام چائیلی (البته نام واقعی او این نیست) متوجه می‌شود که شوهرش با زنی رابطه دارد. گرچه آن مرد بعدها متوجه اشتباه خود می‌شود و به آن رابطه خاتمه می‌دهد اما برای چائیلی خیلی سخت بود که او را ببخشد. رابطه او به همسرش هم‌طور بد و بدتر می‌شد تا جاییکه یک روز چائیلی از سر ناچاری تصمیم می‌گیرد به همسرش یک شانس دیگر بدهد. در نیمه‌های این تمرین گذشت، او شروع به گریه می‌کند. با کمک شوهر و معلم خود، چائیلی متوجه بیهودگی نگه داشتن نفرت و کینه همسرش در دل خود می‌شود. الان آنها زندگی بسیار شاد و خوشبختی دارند و از آزادی رهایی از نفرت‌ها، کینه‌ها و عصبانیت‌ها لذت می‌برند. با گذشت سلامتی‌شان را ارتقا می‌دهید. در بازی جنگ فقط شکست خورده‌ها هستند. یک ضرب المثل چینی می‌گوید، کسی که کینه توی می‌کند باید دو قبر بکند. اگر خلاف آن را انجام دهد عمری طولانی و زندگی سالم خواهد داشت. با گذشت شما حقیقت الهی را درک خواهید کرد. تجربیات بد به این دلیل در زندگی ما اتفاق می‌افتد که باید از آنها درس بگیریم. اینکه هراتفاق که در زندگیمان می‌افتد را نتیجه عمل خودمان بدانیم و کس دیگری را برای آن مقصر نشماریم یکی از این درس‌هاست. گاهی اوقات از کسانی که فکر می‌کردم حق شناس و غیر منصف هستند بدم می‌آید. اما بعدها، فهمیدم آنها مثل آدم بدهای داستان بودند که به قیمت اینکه دیگران از آنها بدشان بیاید، به ما کمک می‌کنند در سهای خوبی از داستان بگیریم. اگر بخواهیم دیگران را جدا از خودمان بدانیم در ک اشتباهی داشته ایم. اولین باری که در کودکی در مورد نیایش عیسی با خداوند در مورد بخشیدن کسانی که او را به صلیب کشیدند خواندم، تقریباً داشت گریه‌ام می‌گرفت. ما هم می‌توانیم مثل او زندگی کنیم. هر کس که تصور کند آدم‌ها بقیه قسمتهای بدن او هستند قادر نخواهد بود به طریقی جز طریق عیسی عمل کند.

اگر مسیح برنخاسته، ایمان شما باطل است و شما همچنان در گناهان خود هستید.
اول قرن بیستم: ۱۷

سال چهارم شماره ۴۱ مارچ ۲۰۰۹

۱۰

Tabdil Magazine
ماهانۀ تبديل
Special Section

Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

مسیحیان آزاد شده اند اما پرونده هایشان همچنان مفتوح!

مسیحیان بازداشت شده در تهران با قید ضمانت آزاد شدند اما هموطن مسیحی دیگری در مشهد طی روزهای آینده به اتهام ارتداد مورد محاکمه قرار خواهد گرفت.



در پی بازداشت تنی چند از مسیحیان در تهران، هموطن مسیحی جمال قالیشورانی که از تاریخ ۲ بهمن ماه ۱۳۸۷ به همراه همسر خود در تهران بازداشت شده بود پس از گذشت ۱۹ روز بی خبری و بلاتکلیفی از وضعیت ایشان سر انجام در مورخه ۲۰ بهمن سالجاری (۸ فوریه ۲۰۰۹) با قرار وثیقه بطور موقت آزاد شد.

پیش از این نیز همسر ایشان نادره جوادی صبح روز چهارشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۸۷ (۴ فوریه ۲۰۰۹) پس از ۲ هفته بازداشت در زندان اوین، با تعهد و سپردن سند منزل آزاد گردید. روال و جریان پرونده این بازداشت شدگان همچنان مفتوح است و هر زمان که از سوی مقامات امنیتی احضار شوند می بایست به مراکز مربوطه مراجعه نمایند. به گزارش کمیته مسیحیان مجموع فعالان حقوق بشر در ایران، تا کنون از سوی مقامات امنیتی در خصوص علت و یا دلایل بازداشت این افراد توضیحی داده نشده اما حسب مستندات این بازداشت ها به دلیل ایمان و اعتقادات مسیحی آنان بوده و در راستای افزایش فشار بر جامعه مسیحیان فارسی زبان ایران می باشد. لازم به ذکر است، محمود آزاده، دیگر زندانی مسیحی ساکن نیشابور که به اتهام برگزاری جلسات مسیحی، فعالیت در کلیساهای زیر زمینی (خانگی)، تبلیغ و اشاعه آئین مسیحیت، و **ارتداد** هم اکنون در زندان مشهد بسر می برد، دادگاه ایشان نیز روز پنجشنبه ۲۴ بهمن ماه سالجاری (۱۲ فوریه ۲۰۰۹) در شعبه ۵ دادرسی عمومی شهر مشهد برگزار خواهد شد.

با تشکر از شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان

کتاب مقدس روشن می سازد که مردم معرفت واضح و غیرقابل انکار الهی را زده کرده دروغ را متابعت خواهند کرد. در رومیان ۲۵:۱ می خوانیم: ایشان حق خدا را به دروغ مبدل کردند. و مخلوق را به عوض خالق که تا ابد آباد همان است عبادت و خدمت نمودند. کتاب مقدس اضافه می کند که: انسان برای بی ایمانی به خدا هیچ عذری ندارد. زیرا که چیزهای نادیده او یعنی قوت سرمدی او و الوهیتش از حین آفرینش عالم بوسیله کارهای او فهمیده و دیده می شود تا ایشان را عذری نباشد. (رومیان ۲۰:۱)



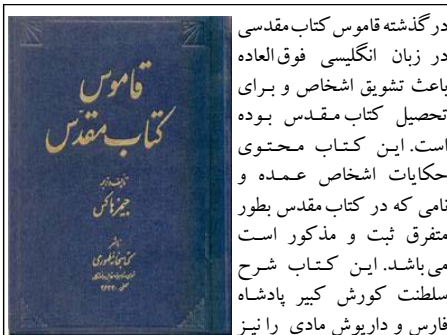
با توجه به رقم بیکاران و جمعیت انبوهی که در بازار غیررسمی کار شاغل می باشند، رقم واقعی بسیار بیشتر از ۱۵ میلیون نفر است

طبق گزارشی به نقل از شهرزاد، درحالی که وزارت رفاه - که آمار و ارقام مربوط به تعیین خط فقر را بر عهده دارد - از ارائه این آمار با این استدلال که اعلام خط فقر به درد کسی نمی خورد شانه خالی می کند، حسن راغفر، یکی از استادان دانشگاه الزهراء، در گفتگو با سایت جمهوری اعلام کرد: با توجه به نرخ ۲۶ درصدی تورم، جمعیت زیر خط فقر در سال آینده به بیش از ۱۵ میلیون نفر خواهد رسید. وی اظهار داشت، براساس تحقیقات انجام شده، طی سه سال اخیر هر سال ۲ درصد به جمعیت فقیر افزوده گردیده است. خط فقر در حال حاضر به افرادی اطلاق می شود که درآمدی کمتر از ۷۸۰ تومان در ماه دارند و در حال حاضر در ایران ۱۵ میلیون نفر را تشکیل می دهند. در مورد تعیین خط فقر وی گفت، خط فقر عبارت از حداقل درآمدی است که خانوار معمولی برای تأمین نیازهای اولیه چون مسکن مناسب، بهداشت و تأمین ۲۵۰۰ - ۲۰۰۰ کالری در روز که هر نفر به آن نیاز دارد. این آمار فقط شامل درآمد افرادی می شود که در بازار رسمی کار مشغول به کارند. با توجه به رقم بیکاران و جمعیت انبوهی که در بازار غیررسمی کار شاغل می باشند، رقم واقعی بسیار بیشتر از ۱۵ میلیون نفر است که در آمار نشان داده نمی شود.



فرد مسلحی روز یکشنبه با تیراندازی در کلیسای در ایلیونیز امریکا یک کشیش را کشت و چند تن دیگر را زخمی کرد

طبق اعلام رسانه های آمریکا این فرد مهاجم کشیش کلیسای *ماوریل ایلیونیز* را با سه گلوله هدف قرار داد که این کشیش به نام فرد وینترز به قتل رسید. در این تیراندازی شش نفر زخمی شدند. فرد مهاجم که هویتش اعلام نشده در بازداشت پلیس قرار دارد. به گزارش خبرگزاری از شبکه گو این تیراندازی روزیکشنبه ساعت هشت و پانزده دقیقه به وقت محلی و در حالی رخ داد که حدود یکصد و پنجاه نفر در کلیسا حاضر بودند. فرد مهاجم با عبور از راهرو کلیسا به سوی کشیش رفت و به او تیراندازی کرد.



در گذشته قاموس کتاب مقدسی در زبان انگلیسی فوق العاده باعث تشویق اشخاص و برای تحصیل کتاب مقدس بوده است. این کتاب محتوی حکایات اشخاص عمده و نامی که در کتاب مقدس بطور متفرق ثبت و مذکور است می باشد. این کتاب شرح سلطنت کورش کبیر پادشاه فارس و داریوش مادی را نیز در بر دارد. نویسنده اشکال و کتیبه های بیستون و اردشیر و استر ملکه و قصر سلطنتی شوشن یا شوش را شرح می دهد. در مطالعات دین پژوهی نظر به کتب ادیان ماضی و غور در آنها برکسی پوشیده نیست و از مهمترین ابزار و وسایل این پژوهشها، نوشته ها و آثار بانان و هادیان این مذاهب است اما چون این کتب مربوط به ادوار پیشین است و لغات و واژه ها در سیر تاریخی می دهند و نیز یک کلمه معین ممکن است معنی خاصی در فلسفه و معنی دیگری در دین یاسیاست و اقتصاد داشته باشد و یا کلمه ای بعد از گذشت قرن ها دیگر مورد استعمال واقع نشود و جای خود را در اعصار بعد به کلمه جدیدی بدهد که پژوهشگر امروزی به علت نا آشنایی با آن، به معنیش پی نبرد و متن نوشته برایش نامفهوم شود، ضرورت تدوین و تألیف فرهنگهای خاص موضوعی برای هر رشته و علمی و حتی هر مکتب و مسلک و مذهبی به وجود می آید و به علت همین ضرورت بوده است که دهها و صدها فرهنگ و قاموس اختصاصی برای موضوعات خاص دینی و علمی و فلسفی و فنی و... به وجود آمده است.

از این نوع فرهنگهای اختصاصی میتوان از قاموس کتاب مقدس نام برد که توسط جیمز هاکس ترجمه و تألیف و هفتادسال پیش انتشار یافته است و در برگیرنده تمامی لغات کتاب مقدس یعنی عهدعتیق و عهدجدید و رسائل و نوشته های دینی اولیای مذاهب یهود و مسیحیت است.

C.S LEWIS میگوید: ما باید مانند سربازانی زندگی کنیم که پشت جبهه های دشمن می جنگند، و راه را برای آمدن فرمانده بزرگ آماده می کنند.

به عبارت دیگر، باید مشتاق آن روزی باشیم که عیسی مسیح برای آوردن صلح، عدالت و انصاف بر روی زمین از آسمان پدیدار خواهد شد.

آخرین عکس آدولف هیتلر در سال ۱۹۴۵

این عکس، آخرین عکسی است که از هیتلر گرفته شده است و در آن هیتلر دو روز قبل از مرگش در محوطه بیرون پناهگاه در حال بررسی خرابیهای بمبارانها دیده می شود. دو روز بعد مردی که آلمان و جهان را درگیر ۶ سال جنگ ویرانگر کرد، تصمیم گرفت به زندگی خود پایان بدهد، اما قبل از آن بامعشوقه اش *اوا براون* ازدواج کرد و وصیت نامه اش را نوشت. در بعد از ظهر ۳۰ آوریل سال ۱۹۴۵ هیتلر و *براون* در اتاقشان خودکشی کردند، هیتلر با خوردن قرص سیانید و شلیک به سر خود خودکشی کرد و *براون* فقط با خوردن سیانید.



پولس رسول برای ما یک آینه روحانی فراهم می سازد تا در دوران آخر زندگی دنیوی راهنمایی ما باشد. او میگوید که ما باید، بی ایمانی و شهوات دنیوی را ترک کرده، با خرد اندیشی، عدالت و ایمان در این جهان زیست کنیم و آن امید مبارک و تجلی جلال خداوند عظیم و نجات دهنده خود عیسی مسیح را انتظار بکشیم. (تپس ۱۲:۱۳) هنگامی که به این آیینۀ زندگی خود نگاه می کنید چه چیز را می بینید؟ آیا در مرکز اراده خداوند قدم بر میدارید؟ آیا به ارجحیت های زندگیتان نظم داده اید تا خداوند را در رتبه اول قرار دهید؟ آیا بروی کلام خداوند ایستاده، هر چیزی را با آن میسنجید؟ آیا به خداوندی که به مسائل شخصی شما متعهد، دلسوز و قادر مطلق است ایمان دارید که او به دعاها شما گوش داده و پاسخ میدهد و هنوز معجزات به عمل می آورد؟ آیا روزانه به قدرت روح القدس توکل دارید؟ آیا در عمل روزمره خود ایمان محکم را نشان داده و اجازه نمی دهید بدبختی های زندگی شما را فراگیرد؟ آیا دید ابدی را نگه داشته، راحتی این دنیا را ترک کرده اید؟ آیا هر روز "انتظار بازگشت عیسی مسیح را دارید؟" آیا "رَبودِه شدن در قلب شما وجود دارد؟" آیا "آرزوی بازگشت مسیح بروی لبهای شماست؟"



سال چهارم شماره ۴۱ مارچ ۲۰۰۹

۱۱

Tabdil Magazine
ماهانامۀ تبديل
P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

مانده به آخر پیش می رود اکنون ۱۰ میلیون روپیۀ برده است اما وقت برنامه اجازه نمی دهد تا سوال بعدی پرسیده شود. پس همه باید تا فردا تحمل کنند اما کار برای جمال از دیگران سخت تر است. او شب را در مقر پلیس میگذراند چون آنها اعتقاد دارند که یک جوان تقریباً بی سواد تنها از طریق تقلب می تواند در مسابقه ای اینچینی پیروز شود. بعد از شکست برای اعتراف، جمال شرح می دهد که چگونه توانسته است به سوالات پاسخ دهد. هر توضیح جمال همراه است با فلاش بک هایی درباره زندگی گذشته او. در این تصاویر بهتر از هر مستندی با واقعیت زندگی در هند آشنا می شویم کشور پر جمعیتی که کلاسهای درش مملو از دانش آموز است و آنقدر جمعیت زیاد است که گویی زمین برای زندگی کم است و انگار خیلی ها جای دیگران را تنگ کرده اند. در فلاش بک های جمال دو کارا کتر محوری دیگر نیز حضور دارند. یکی سلیم برادر تند خوی جمال و دیگری دختری که او دوستش دارد. آنها با یکدیگر رشد می کنند و بزرگ



میلیونر زاغه نشین

دنی بویل کارگردان "میلیونر زاغه نشین" پیش از این فیلم پر سر و صدایی نداشت. معروفترین اثری او "بیست و هشت روز بعد" بود که فیلمی در ژانر وحشت با مضامین زامبی ها و ویروس های خطرناک بود. فیلمی با درجه اعتبار متوسط! اما حالا شاید بتوان گفت که دنی بویل نیز مانند کاراکتر فیلم خود یک شبه مسیر چند ساله را طی می کند. فیلم او در جشنواره ها و رقابتهای مختلف جایزه می برد و در لیستهای مختلف مکانهای عالی را مال خود میکند.



می شوند. اما این وضعیت درباره لایتیکا صادق نیست. جمال چندین مرتبه او را کم می کند و دوباره پیدا می کند و دوباره از دست می دهد و بازمی یابد و اصلاً فلسفه حضورش در مسابقه "چه کسی میخواد میلیونر بشود؟" سودای ثروت نیست. او ابتدا به پول توجهی ندارد و به لایتیکا نیز در جایی از فیلم می گوید که با عشق زندگی می کنیم. او در مسابقه و در برابر دوربینهای تلویزیونی حاضر شده است تا لایتیکا دوباره یابد. به نظر من دنی بویل قصد داشته است تا از طریق این فیلم و به نمایش گذاشتن محدودیتهای جمال از کودکی تا سنین جوانی، پرده از روش زندگی محرومین در هند بردارد. وضعیت اقتصادی بد، فاجعه آموزش و همچنین فساد اجتماعی که در بدنه جامعه سستی هند ریشه دوانده تا حدی که پلیس هم نمی تواند و یا نمی خواهد به آن خاتمه دهد از مفاهیم اصلی مورد نظر داستان بوده است. اقتصادپر از آفتی که در آن اکثریتی در فقر به سر میرند و ثروت های عمومی تنها در اختیار عده ای کم است و تازه آنهایی نیز از راه مشروع و قانونی این ثروت را جمع آوری نکرده اند نیز آینه حال و روز هند، در این فیلم است. وقتی اوضاع به اینجا کشیده شود کودکان، بی پناه ترین و ضعیف ترین افراد هستند که آسیب می بینند و مورد سواستفاده قرار میگیرند. همه اینها مسائلی است که میلیونر زاغه نشین به خاطر آن ساخته شده اما در خلال این ماجرا داستان فرعی پر رنگی نیز جریان دارد. قصه قدیمی عشقی که همیشه با موانعی روبرو بوده است.

خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه نیکی مطلق هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد. مئی ۶۵

قتل عام مسیحیان در ژاپن به فیلم تبدیل می شود



مارتین اسکورسیزی، کارگردان برنده اسکار هالیوود، در نظر دارد قتل عام مسیحیان در قرن هفدهم میلادی در ژاپن را به تصویر بکشد.

طبق گزارشی به نقل از فارس، خبرگزاری فرانسه با بیان این مطلب می نویسد، مارتین اسکورسیزی، در پروژه بعدی خود، با اقتباس از ژمان سکوت نوشته شو ساکو/ بندو منتشر شده در سال ۱۹۶۶ میلادی در نظر دارد تا قتل عام و سرکوب مسیحیان در ژاپن قرن هفدهم میلادی را به تصویر بکشد. ژمان سکوت داستان یک کشیش مسیحی جوان و بسیار ایده آل گرای ساکن می شود. به گزارش این خبرگزاری، دانته فرتی کارگردان هنری برنده اسکار یکی از نزدیکان اسکورسیزی، به همراه، ای. بنت والاش تهیه کننده، چندی پیش برای مراحل پیش تولید این فیلم به ژاپن سفر کرده و از موزه تاریخی فرهنگی ناکاراکی دیدن کردند. کو شیرو نیشیجیما، سخنگوی موزه گفت: آنها قصد ساخت یک فیلم را دارند و به همین خاطر نیز در حال تحقیق درباره تاریخچه مسیحیان ژاپن هستند. مطبوعات ژاپنی نیز طی چند روز گذشته با انعکاس این خبر از احتمال بازی دانیل دی لوئیس، گابریل گارسیا برنال و بنیسیو دل تورورو در این فیلم خبر دادند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، اسکورسیزی، قصد دارد تا اواخر سال جاری فیلم برداری این فیلم را در نیوزلند آغاز کند و انتظار می رود که این فیلم در سال ۲۰۱۰ میلادی آماده نمایش شود. بنابر این گزارش، این نخستین باری است که یک اثر سینمایی مهم توسط یک کارگردان خارجی در رابطه با چنین موضوعی ساخته می شود.

از شما دعوت میکنیم تا از وب سایت ما دیدن فرمائید:

www.SimaMasih.com
www.TabdilMagazine.blogfa.com



(Herbs Rice - Herbs & Dill Polow)
(Serves 3 to 6)
Ingredients:
4 cups of white long grain rice.
4 table spoons of cooking oil.
1/2 cup chopped Chives/Scallion stems (tarreh/piAzcheh).
1-1/2 cups Parsely (jafaree).
1 cup coriander (gheshneez).
1-1/2 cups fresh Dill Weed (sheveed).
A few large, outer leaves of lettuce.
4 Oz of water.

Directions:
Wash and drain the vegetables. Using a cutting board and while repeatedly bunching up the vegetables, finely chop them. In a medium size pot, half-way filled with water, bring the water to a boil. Add the rice (and the water it was soaking in), and let it cook until it starts boiling. Stir the rice a few times during the boiling process. Occasionally chew on a few of rice grains to see if they have softened. Near the end of boiling, add the fresh chopped vegetables. Stir the rice one last time and then take it out and drain it in a kitchen stringer. Run the tab water on it to wash out some of the excess salt. Pour the oil in the pot, add 4Oz of water, lay the lettuce leaves in the bottom of the pot and add a bit of extra oil if necessary. If you are using dried vegetables in place of fresh ones, you will have to mix them in as you are adding thin layers of rice in the pot, in the shape of a heap. Spread a little water on top and close the lid. Let it cook for a few minutes on high heat. When steam starts to rise, change the setting to medium heat and let it cook for another 15-20 minutes. Then turn the heat to medium-low, sprinkle some cooking oil to prevent drying, and let it cook for about another 10-15 minutes before serving. Noshe Jaan.



حمایت مالی شما را از ماهانامۀ تبديل پذيرائيم.

THE CHANGE

Magazine

kids only

Cain's Story

based on Genesis 4:1-17

Looking back, I can't believe what I did. Jealousy. It's a dangerous emotion. I haven't talked to Mom or Dad for ages. Look at me! Here I am, building a city. Why can I only think of Abel? Abel, the perfect.

And me, the wretch. Oh, there it is again! Jealousy. I need someone to talk to. Would you listen?

Please? I was Adam and Eve's first born. Abel was my younger brother. As we grew, we developed different interests. I was fascinated with growing fruits and vegetables; my brother tended animals. He always liked sheep the most. I don't know why. You can't just take one and eat it-like my fruit. My fruit was important, even more than God.

But the Lord came first in Abel's life! He gave the best to God. I didn't see the point. Don't get me wrong. I gave! You know, a rotten tomato here, a wormy apple there. I should have expected the result: God blessed Abel and looked upon me with disfavor. I became angry with God, with Abel and with myself. God noticed, of course. I mean, there were only four people on the earth. "Why are you angry?" He asked. "If you do what is right, will you not be accepted? But if you do not do what is right, sin is crouching at your door; it desires to have you, but you must master it."



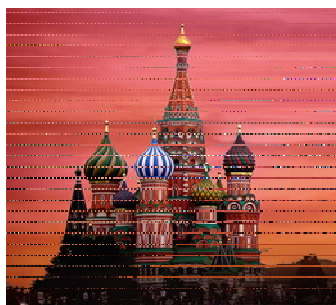
I did not "master it." Sin had me. I thought up a plan to do away with Abel. "Let's go out into the field," I said. He came. I wish he hadn't! For when we were out there, I killed him. I planned to say that wolves attacked him, but there was one hole in my plan: God. He came to me and asked me where Abel was; though He already knew. I lied and said I didn't know. God sent me away to be a restless wanderer. So here I am. I believe I'll go and take a walk through my half-built city of Enoch. Thank you for listening.



Norouz History & Traditions

Norouz, in word, means "New Day". It is the new day that starts the year, traditionally the exact astronomical beginning of the Spring. Iranians take that as the beginning of the year. This exact second is called "Saal Tahvil". Norouz with its' uniquely Iranian characteristics has been celebrated for at least 3,000 years. Iranians consider Norouz as their biggest celebration of the year, before the new year, they start cleaning their houses (Khaane Tekaani), and they buy new clothes. But a major part of New Year rituals is setting the "Haft Seen" with seven specific items. In ancient times each of the items corresponded to one of the seven creations and the seven holy immortals protecting them. Today they are changed and modified but some have kept their symbolism. All the seven items start with the letter "S"; this was not the order in ancient times. These seven things usually are: Seeb (apple), Sabze (green grass), Serke (vinegar), Samanoo (a meal made out of wheat), Senjed (a special kind of berry), Sekke (coin), and Seer (garlic). Sometimes instead of Serke they put Somagh (sumak, an Iranian spice). Wheat or lentil representing new growth is grown in a flat dish a few days before the New Year and is called Sabzeh (green shoots). Decorated with colorful ribbons, it is kept until Sizdah beh dar, the 13th day of the New Year, and then disposed outdoors.

A few live gold fish are placed in a fish bowl. In the old days they would be returned to the riverbanks, but today most people will keep them. Mirrors are placed on the spread with lit candles as a symbol of fire. After the Saal Tahvil, people hug and kiss each other and wish each other a happy new year. Then they give presents to each other (traditionally cash, coins or gold coins), usually older ones to the younger ones. The first few days are spent visiting older members of the family, relatives and friends. Children receive presents and sweets, special meals and "Aajil" (a combination of different nuts with raisins and other sweet stuff) or fruits are consumed. Traditionally on the night before the New Year, most Iranians will have Sabzi Polo Mahi, a special dish of rice cooked with fresh herbs and served with smoked and freshly fried fish. Koukou Sabzi, a mixture of fresh herbs with eggs fried or baked, is also served. The next day rice and noodles (Reshteh Polo) is served. Regional variations exist and very colorful feasts are prepared.



Saint Basil's Cathedral: The Red Square's Colorful Church

The St. Basil's Cathedral is located on the Red Square in Moscow, Russia. A Russian Orthodox church, the Cathedral sports a series of colorful bulbous domes that taper to a point, aptly named onion domes, that are part of Moscow's Kremlin skyline. The cathedral was commissioned by Ivan the Terrible to commemorate the capture of the Khanate of Kazan. In 1588 Tsar Fedor Ivanovich had a chapel added on the eastern side above the grave of Basil Fool for Christ, a Russian Orthodox saint after whom the cathedral was popularly named.

IRAN-The Release Of A Christian Prisoner After 27 Days

According to a report from Farsi Christian News Network (FCNN), in regards to the arrest of Hossein Karimi by Iranian Secret Agents the morning of Friday January 30th, 2009 in a town called Karaj, he was temporarily released on February 25th, 2009, after 27 days while placing his house as collateral. After his arrest by the agents, he was taken to an unknown location and during the course of these 27 days there had been no report given by the authorities of Hossein's health and condition. The constant pursuit of the family to find where Hossein was kept and how he was, gave no answer and seemed pointless.



According to valid sources, Hossein Karimi, a 27 year old who is a new convert, had been arrested on charges of attending home churches, evangelizing, storing Bible and converting to Christian faith. Furthermore, while on temporarily release he will be provided by the Court of Law a time and date to appear in court to present his case. It is important to note on November 16th, 2008, this citizen was taken into custody, fingerprinted and photographed. He was then released after 4 days on bail with a consent that he would no longer participate in any Christian activities.

*I ask my Father,
Why this pain I bear?
He answers to me "Child
only because I care
I put you in this place
to keep you safe and sound
for life was getting short for you
with trouble all around.
Not to hurt your heart
Nor make you ever feel alone
for I am always with you child
through your deepest sorrow
I'm listening to all your prayers.*

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com
www.SimaMasih.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA